

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۲۸ جولای ۲۰۱۹

یمن در محاصره جنگ امپریالیستی

بیش از نیم میلیون کودک یمنی در اثر ناامنی جانی ترک تحصیل کرده‌اند و دو میلیون نفر دیگر، از رفتن به سر کلاس‌ها باز مانده‌اند؛ روزانه صد و سی کودک در اثر گرسنگی جان می‌دهند و میلیون‌ها تن دیگر در اثر جنگ کشته و آواره شده‌اند. در ادامه و بر اساس گزارش ملل متحد، یونیسف و سازمان بهداشت جهانی، "هفتاد و پنج درصد مردم یمن - یعنی بیست و دو میلیون نفر -، به شدت نیازمند کمک‌های انسانی‌اند و قریب به هشت میلیون و چهارصد هزار نفر در معرض مرگ قرار گرفته و نیازمند کمک‌های فوری‌اند؛ شصت درصد - یعنی هفده میلیون نفر - از نظر امنیت غذایی در تهدید به سر می‌برند و شانزده میلیون نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارند..."

این اوضاع دهشتناکیست که سازماندهندگان "نظم نوین جهانی" به بهانه "برقراری دموکراسی و آبادانی" جامعه، به میلیون‌ها کارگر و سایر زحمتکشان یمن، تکلیف کرده‌اند. به طور قطع ابعاد تخریب زیر ساخت‌های جامعه و همچنین تعرض بی‌رحمانه به معیشت توده‌های دردمند یمن، به مراتب بالاتر از انتشار اخبار، از سوی دم و دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته به جهان امپریالیستیست. جانان بشریت یمن را به مانند دیگر جوامع جنگ‌زده، به میدان جنگ امپریالیستی تبدیل کرده‌اند تا ثمره بیشتری از دسترنج توده‌های ستمدیده ببرند. متأسفانه جامعه یمن، در اثر سیاست‌های جنگ‌طلبانه قدرت‌مداران بین‌المللی و دار و دسته‌های ارتجاعی‌شان، از شباهت به جامعه آرام و دل‌بخواه انسانی بدر آمده و خیابان‌ها و خانه‌ها، به خرابه تبدیل شده است. لحظه‌ای خانه‌ها و اماکن عمومی یمن، از صدای گلوله، تیر و تیراندازی ساکت و در امان نیست و مفهوم و واژه امنیت، برای کودکان و میلیون‌ها انسان دردمند، بی‌مسما شده است. به این سبب که، این‌نوع جنگ‌ها، خواست و در خدمت به مردم و جامعه نیست، بسا که تعرض و تسلط بیش از پیش به سفره ناچیز مردم و غارت ثروت‌های جامعه است.

حقیقتاً چند دهه‌ایست که سرمایه‌داران، به دلیل فقدان آلترناتیو مطلوب در درون جوامع متفاوت، جهان را به میدان تعرضات بی‌وقفه خویش تبدیل نموده‌اند و در این‌میان، تعدی به مردم و راه‌اندازی جنگ از نوع یمن، از زمره تک‌نمونه‌ها نیست. همه‌جا را قدرت‌مداران بین‌المللی زیر و رو، و همه‌جا را به صحنه غارت‌گری‌هاشان تبدیل کرده‌اند و همه‌جا، کودکان را مورد حملات وحشیانه خود قرار می‌دهند. بی تردید یکی از دلایل اصلی، آن است که چرخه مناسبات سرمایه‌داری، بدون هرج و مرج سیاسی، بدون ایجاد ناامنی‌های هر چه بیشتر و به ویژه بدون برپائی جنگ‌های ارتجاعی تازه‌تر، قادر به گردش نیست؛ جنگ‌های خانمانسوز را در اولویت سیاسی خود قرار داده‌اند تا از بار

بُحرانِ دائم‌التزیدشان بکاهند؛ جنگ به راه انداخته و می‌اندازند تا سلاح‌های مدرن و مرگبارشان را را به فروش برسانند؛ فروش و مسابقهٔ تسلیحاتی به راه انداخته‌اند، تا دامنهٔ قدر قدرتی خود را در عرصهٔ جهانی گسترده و گسترده‌تر کنند. تولید و به دنبالهٔ فروش جنگنده و سلاح‌های کُشنده‌ای که دهه‌هاست در رأس سیاست‌های اقتصادی‌شان قرار گرفته است و هر یک از آنان از قبل آن‌ها میلیاردها دالر سرمایه به جیب می‌زنند. به طور مثال تعداد سلاح در کشورهای همچون عراق، افغانستان، سوریه، لیبیا و غیره، بیش از جمعیت این‌کشورهاست و بنابه گزارش "انستیتیوی تحقیقات بین‌المللی صلح سنکهم"، در چند سالهٔ جنگِ یمن، میلیاردها دالر سلاح به کشورهای عربستان، قطر، بحرین، مصر و مراکش، امارات متحدهٔ عربی، اردن و سودان و دیگر دولت‌ها و نیروهای درگیر در جنگ فروخته شده است که در این‌میان امریکا، انگلستان، فرانسه در سر تیتیر آن‌ها قرار دارند.

پس در چنین راستائی - و من‌حیث‌المجموع - می‌توان جنگ‌هایی از نوع یمن را، در دو حوزهٔ اساسی توضیح داد؛ اول این‌که، این جنگ‌ها، در خدمت به تجارت و فروش سلاح‌های کُشنده به منظور جلوگیری از بُحران جهان امپریالیستی است، و دوم این‌که، در جهت تقویتِ هرج و مرج‌های بیش از پیش، و به ویژه پیش‌گیری از رشد جنبش‌های اعتراضی رادیکالِ کارگری و توده‌ئی است.

آشکار شده است که انتخابِ سیاستی، ربط مستقیمی به جهانِ اعتراضی که از چند دههٔ پیش، شیفت تازه‌ای کرده است، دارد. جامعهٔ اعتراضی علی‌رغم یورش وحشیانهٔ ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی به پیش است و روزبه‌روز، بر میزان معترضان علیه بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های حاکم بر جامعه افزوده می‌شود. گرانی ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی میلیاردها انسان، بی‌حد و حساب و بی‌رویه، روزبه‌روز افزایش و قدرت خرید مردم پائین آمده است؛ فقر و دربه دری بیداد می‌کند و میلیون‌ها جوان تحصیل‌کرده، به خیل بیکاران پیوسته‌اند؛ کودکان در اثر نداری والدین‌شان به نیروی کار تبدیل شده‌اند و در زیر ضرب، و سوءاستفادهٔ باند‌های قاچاق انسان‌اند؛ معلوم است که مردم نه تنها مدافع چنین اوضاع ناهنجار و زندگی تحمیلی سودجویان و استثمارگران نیستند، بلکه با تمام وجود خواهان زندگی بدون دغدغه و آرام‌اند؛ طالب فضای سیاسی - اجتماعی برابر و آن‌هم بدون تشنج و رودرروئی خشونت‌بارند. این دنیای حقیقی آنان است و بی‌گمان اوضاع کنونی با خواست میلیاردها انسان رنج‌دیده هم‌تراز نیست؛ این آن دنیائی نیست که به دنبال آن اند. این خواست باطنی و سیاست مطلوبِ جانیانیست که از قبل آن سوده‌های میلیاردری به جیب می‌زنند. مگر بی‌دلیل است که تمامی میادین صنفی - طبقاتی، به میادین‌تشنج و رودرروئی دو طبقهٔ میرنده و بالنده تبدیل شده است؟ مگر بی‌دلیل است که اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده‌ئی فراگیر و جهانی شده است؟ مگر بی‌دلیل است که همه‌جا کارگران و سایر زحمتکش‌شان علیه سرمایه‌داران به صف شده‌اند و همه‌جا حاکمان زورگو و مفت‌خور را به مصاف می‌طلبند؟

جهان غرق در کشاکش و رودرروئی طبقاتیست. اعتصابات و درگیری‌های روبه‌جلو محرومان، دمار از روزگار نهادها و ارگان‌های وابسته به دولت‌های امپریالیستی درآورده است. این سیمای حقیقی سوی متضادِ طبقهٔ سرمایه‌داری حاکم بر جهان کنونیست و به عبارت صریح‌تر باید گفت که پائینی‌ها، علی‌رغم فقدان امکانات مبارزاتی و همچنین علی‌رغم فقدان حامیان عملی در برابر استثمارگران و سرکوبگران، چرخهٔ سیاست و مناسبات سودده و تولیدی طبقهٔ سرمایه‌داری را با مشکلات جدی مواجه ساخته‌اند. در مقابل هم دولت‌های امپریالیستی یک لحظه از سیاست‌های تعرضی‌شان پاپس نکشیده‌اند و با تمام قواء، با ریا و با دودوزه بازی، بر آنند تا جامعهٔ اعتراضی را به عقب برانند؛ می‌خواهند با راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی، از شفیت اعتراضات کارگری و توده‌ئی به مراحل تازه‌تر و بالاتر، ممانعت به عمل آورند؛ فهمیده‌اند که کارخانجات و دیگر میادین استثمار و نابرابری، ناآرام و ناامن برای دم و دستگاه‌های سودده و سودآور شده است؛ پی بُرده‌اند که تاریخ مصرف سیاست‌های ارتجاعی‌شان به سر رسیده است و بر

همین اساس می‌خواهند تا با شعله‌ورتر کردن جنگ‌های از نوع یمن، از پس جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ئی رادیکال بر آیند.

پیداست که چنین وضعیتی - یعنی نضج‌گیری جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌پئی - باب میل طبقه سرمایه دار نیست؛ چرا که سیر اقتصاد باب طبعش، احتیاج به امنیت، احتیاج به تسلیم فرامین و قوانین بی‌چون و چرا از جانب کارگران، سایر زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده دارد؛ می‌خواهد با آلوده کردن فضای جوامع متفاوت، به فضای پُر تلاطم سیاسی و به خصوص به فضای جنگ‌های خانه خراب‌کنی از نوع یمن، بر عمر نکبت‌بارشان بیفزایند. دهه‌هاست که با چنین سیاست شومی به میدان آمده است و بدون شک جامعه انسانی هم با آگاهی از نتایج وخیم جنگ‌های امپریالیستی، عمیقاً بر این نظر است که هجوم و لشکرکشی دولت‌های بزرگ امپریالیستی به همراه دار و دسته‌های مرتجع و مسلح‌شان به مناطق سرشار از ثروت طبیعی، جز بدبختی هر چه بیشتر و جز تخریب زیرساخت‌های آن نیست؛ آگاه است که سوهای متفاوت جنگ‌های کنونی، سمت مردم نیستند و سازمان داده شده از جانب دولت‌های بزرگی همچون امریکا، روسیه، آلمان، انگلستان، فرانسه و دیگر دولت‌های وابسته بدانانند؛ به تجربه دریافته است که جنگ طبقه بالائی‌ها، نه برای نابودی جنگ، بلکه در گسترده‌گی آن است؛ پی برده است که جنگ سرمایه‌داران و حامیان ریز و درشت‌شان، نه برای سازندگی و امنیت جامعه، بسا که ایجاد ناامنی‌های هر چه بیشتر و تلف شدن بیش از پیش محرومان است؛ دریافته است که قدرت‌مداران بزرگ یمن را به مانند دیگر مناطق جنگ‌زده، به میدان دیگر جنگ‌های ارتجاعی تبدیل کرده‌اند تا سازمان اقتصادی - سیاسی و نظامی خود را به مردم و همچنین به دیگر رقبای‌شان حقه کنند. به عبارت واضح‌تر باید گفت که جنگ، جنگنده‌های مدرن، مسابقه فروش تسلیحاتی و به نمایش گذاشتن میران کُشت و کُشتار، و تخریب خانه و کاشانه کارگران، سایر زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده است.

خلاصه این‌که سرمایه‌داری جهانی علی‌رغم بحران روبه افزون دارد بر دامنه فقر و بدبختی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش می‌افزاید؛ افسار گسیخته به سازندگان اصلی آن تعرض می‌کند به این دلیل که جامعه، فاقد نیروی لازمه و باز دارنده در برابر آن است. به طور یقین توده‌های ستمدیده یمن به مانند دیگر توده‌های رنج‌دیده، ناتوان از شکستن محاصره نظامی جانیان بشریت‌اند، به این دلیل که، محروم از سازمان رزمنده و مسلح کمونیستی‌اند. متأسفانه فقدان عکس‌العمل مناسب در برابر قدرت‌مداران بزرگ، دولت‌ها و دیگر دار و دسته‌های ارتجاعی‌شان - از جانب مدافعین حقیقی و عملی کارگران، زحمت‌کشان -، عمومی شده است و بر همین اساس است که جنبش‌های اعتراضی، از دستاوردهای لازمه و مکفی خود باز مانده است. یک راه و در حقیقت یک سیاست، پاس‌خ‌گوی اوضاع فلاکت‌بار زندگی توده‌های ستمدیده یمن، از زیر سلطه مناسبات امپریالیستی‌ست و آن‌هم، منوط به بالا آمدن سازمان کمونیستی و به ویژه در دستور کار قرار دادن نیروی عمل، در برابر نیروی سازمانیافته عملی دولت‌های سرمایه‌داری و دیگر دار و دسته‌های مسلح‌شان است. خوشبختانه توده‌ها در میدان‌اند و در مقابل همه تلاش طبقه سرمایه‌داری هم بر آن است تا میادین اعتراضی را، به میادین سکوت و تسلیم، و نیز به میادین بی‌حرکی تبدیل سازد. پس تشدید و سازمان دادن جوش‌های اعتراضی روبه‌جلو، بر گردن سازمان کمونیستی و همه مدعیان راه رهائی از زیر مناسبات فرتوت و گندیده سرمایه‌داری‌ست. تعلل و یا بی‌تفاوتی عملی نسبت به تعرضات بی‌وقفه و خونین جانیان بشریت، به معنای به هدر دادن انرژی جنبش‌های اعتراضی از یک‌سو، و افزودن بر طول عمر سازمان‌دهندگان جنگ‌های امپریالیستی، دولت‌ها و دیگر دار و دسته‌های وابسته‌شان از دیگر سوست.

۲۷ جولای ۲۰۱۹ - ۵ مرداد [اسد] ۱۳۹۸